

نقبی به تکوین «هویت» در «موقعیت» کتاب درسی

# جامعه‌پذیری در تعلیق

گفت‌وگو با خانم سعیده رحمان پور  
سرگروه آموزشی علوم اجتماعی تبریز

گفت‌وگو از نصرالله دادار



## اشاره

خانم سعیده رحمان پور دبیر و سرگروه آموزشی علوم اجتماعی شهر تبریز است. وی در سال ۱۳۴۳ در شهر مرند متولد شده و در حال حاضر دارای مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و ۲۹ سال سابقهٔ کار در آموزش و پرورش است. ایشان درس‌های جامعه‌شناسی و هویت اجتماعی پایه‌های دوازدهم رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی را در دبیرستان‌های نمونهٔ دولتی باقرالعلوم و فرزندانگ یک ناحیهٔ یک تبریز تدریس می‌کند. با خانم رحمان پور گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که مشروح آن در ادامه تقدیم دبیران علوم اجتماعی می‌شود.

نقش عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت افراد به‌عنوان عضوی از جامعه دارند. از طرف دیگر، نقش آن‌ها در تربیت شهروند بسیار مورد توجه است. یعنی همهٔ نهادهای اجتماعی اعم از خانواده، مدرسه، مراکز علمی و ... برای تحقق هدف‌های خود به پرورش نیروی انسانی مؤثر نیاز دارند و مسلماً این هدف‌ها فقط به رشته‌های علوم انسانی مربوط نمی‌شوند. در همهٔ رشته‌های علوم تجربی، ریاضی، انسانی و حتی رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و هنرستان‌ها و در همهٔ گروه‌ها، موضوع تربیت نیروی انسانی اهمیت و ضرورت دارد و آموزش علوم اجتماعی در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کند.

○ کتاب‌های درسی به‌عنوان متون رسمی آموزش دارای هدف‌های کلی و جزئی هستند. بنابراین، این کتاب‌ها باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که هدف‌های از قبل تعیین شده را تأمین کنند. کتاب‌های علوم اجتماعی، با توجه به ماهیت خود،

● **هدف‌ها و ضرورت‌های آموزش علوم اجتماعی به دانش‌آموزان را چه می‌دانید؟ آیا این آموزش‌ها فقط برای رشته‌های علوم انسانی ضرورت دارد یا برای دانش‌آموزان سایر رشته‌ها نیز ضروری است؟**

**\* اگر دانش آموز با خواندن کتاب‌های علوم اجتماعی بتواند با نقش خود در جامعه آشنا شود و در مورد حقوق شناخت پیدا کند، مسئولیت‌پذیری، روحیه همکاری و مشارکت با دیگران در او تقویت می‌شود. اما متأسفانه کتاب‌های علوم اجتماعی امروز در این مورد توفیق چندانی نداشته‌اند**

پایه نهم آمده‌اند و متأسفانه بین درس‌های مطالعات اجتماعی پایه نهم و درس‌های پایه دهم پیوند و پیوستاری موضوعی- مفهومی برقرار نشده است، پیش‌دانسته‌های محتوای کتاب جدید تأمین نشده است از این‌رو دانش‌آموز یکباره با مفاهیمی روبه‌رو می‌شود که درک آن‌ها برایش دشوار است. البته شاید به دلیل سن کم هم مطالب را خیلی خوب درک نمی‌کنند و کار معلم اینجا خیلی سخت می‌شود. در مورد پایه یازدهم هم همین مشکل را داریم. مشکل دیگر اینکه در هر سه کتاب جامعه‌شناسی، مطالب خیلی تکرار می‌شوند

**\* بیشتر دانش‌آموزان مطالب این درس‌ها را حفظ می‌کنند و به کاربردی نبودن مباحث درسی اعتراض دارند**

و دانش‌آموز مرتب می‌گوید که خانم این مطلب در جای دیگر و به‌طور دیگری گفته شده است. یعنی دانش‌آموز دائم سردرگم می‌شود. البته معلمان هم در انتقال مطالب مشکل دارند، مخصوصاً در مورد همین درس جامعه‌شناسی. در طول این چند سال نقد و بررسی‌های زیادی انجام شده و دفتر تألیف هم انصافاً گوش خیلی شنوایی برای این موضوع داشته و سعی کرده است، نقد و بررسی‌ها را دریافت کند و به همین دلیل است که می‌بینیم در پایه دوازدهم،

کتاب‌های علوم اجتماعی بیشتر زبان فلسفی و انتزاعی پیدا کنند. اگر ما می‌خواهیم دانش‌آموزان نسبت به غرب دیدگاه مناسبی پیدا کنند و خودشان تشخیص بدهند که چرا اصول اعتقادی غرب مورد قبول ما نیست، چقدر خوب است که آن را به صورت غیرمستقیم به دانش‌آموزان آموزش دهیم. چون معلمان در کلاس درس با سؤالات زیاد دانش‌آموزان مواجه می‌شوند.

مثلاً دانش‌آموزی اجرای قانون یا مشارکت افراد یا حقوق شهروندی در غرب را با کشور ما مقایسه می‌کند. ما در کلاس درس با این مشکلات مواجه هستیم و گاهی اوقات اگر به صورت مستقیم با اصول اعتقادی غرب مخالفت کنیم، نمی‌پذیرد. شاید اگر به‌صورت غیرمستقیم این کار را انجام می‌دادیم، می‌پذیرفت. یعنی اگر مبانی جامعه‌شناسی را به درستی درس می‌دادیم، شاید دانش‌آموز دیدگاهی پیدا می‌کرد که خودش می‌توانست این موضوع را تشخیص بدهد که چرا با مبانی اعتقادی غرب مخالفیم.

نکته دیگر اینکه در هدف‌های پیش‌بینی شده برای درس‌های علوم اجتماعی، تأکید زیادی روی کاربردی کردن مطالب شده است، اما مباحث درسی ما اکثراً نظری و ذهنی‌اند و شرایط کاربرد را برای دانش‌آموز فراهم نمی‌کنند. البته برخی فعالیت‌های کتاب‌های درسی این امکان را به معلم می‌دهند که به گونه‌ای مباحث نظری و ذهنی را به سمت کاربرد پیش ببرد، ولی این امر کم اتفاق می‌افتد.

**• شما به‌عنوان معلم، به‌طور مشخص با کدام فصل و کدام درس از کتاب‌های جامعه‌شناسی مشکل دارید و کدام‌ها را مناسب‌تر می‌دانید؟**  
○ درک مطالب جامعه‌شناسی پایه دهم و پایه یازدهم برای دانش‌آموزان واقعاً سخت است. در پایه دهم، چون دانش‌آموزان از

**• به نظر شما چه نوع آموزش‌های اجتماعی برای یک دانش‌آموز در این دوره سنی ضرورت دارد؟ آیا کتاب‌های فعلی مطالعات اجتماعی به این آموزش‌ها و مسائل می‌پردازند؟**

○ در «سند برنامه درسی ملی»، در ارتباط با هدف‌های آموزش کتاب‌های علوم اجتماعی، روی تربیت شهروند، تربیت افراد مسئولیت‌پذیر، تقویت مشارکت اجتماعی افراد و تقویت مشارکت مدنی تأکید شده است. به نظر من، اگر دانش‌آموز با خواندن کتاب‌های علوم اجتماعی بتواند با نقش خود در جامعه آشنا شود و نیز در ارتباط با حقوق خود شناخت پیدا کند، مسئولیت‌پذیری، روحیه همکاری و مشارکت با دیگران در او تقویت می‌شود و بسیار مفید خواهد بود.

اما متأسفانه کتاب‌های علوم اجتماعی امروز در این زمینه توفیق چندانی نداشته‌اند. حتی دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی هم با توجه به انتزاعی و فلسفی بودن مباحث درس‌های جامعه‌شناسی، نمی‌توانند ارتباط مناسبی با این کتاب‌ها داشته باشند. البته معلمان و دبیران جامعه‌شناسی تلاش زیادی برای یاددهی و یادگیری و آموزش این درس‌ها دارند، ولی اغلب دانش‌آموزان رغبت چندانی برای یادگیری این درس‌ها از خود نشان نمی‌دهند. مطالب درسی را بیشتر حفظ می‌کنند و مدام نسبت به کاربردی نبودن مباحث درسی اعتراض دارند.

**• مبانی و مفاهیم علوم اجتماعی به‌عنوان دانش علمی تا چه اندازه به شکل روشن و دقیق و در عین حال ملموس و کاربردی در کتاب‌های درسی علوم اجتماعی مطرح شده‌اند؟**  
○ رویکرد تألیف کتاب‌های جدید علوم اجتماعی، بیشتر بومی‌سازی علوم انسانی بوده و همین باعث شده است،

## \* دبیران جامعه‌شناسی تلاش زیادی برای یاددهی و یادگیری و آموزش این درس‌ها می‌کنند، ولی اغلب دانش‌آموزان رغبت چندانی برای یادگیری این درس‌ها نشان نمی‌دهند

متن‌ها به زبانی نوشته شده‌اند که اقل‌اً برای خود معلم قابل فهم و قابل درک‌تر هستند. یعنی معلم مطالب را خیلی راحت می‌تواند بفهمد. به عبارت دیگر، موضوع را سخت نکرده‌اند و خیلی شفاف گفته‌اند. در حالی که همین مطالب در پایه دهم و یازدهم به صورت پیچیده‌ای مطرح شده‌اند. یک مطلب هم می‌خواهم درباره درس هویت اجتماعی مطرح کنم. این درس با توجه به ارتباطی که با رشته‌های غیر علوم انسانی دارد، کتاب خیلی مناسبی است. یعنی جای آن در نظام آموزشی خالی بود و نیاز بود که چنین درسی را برای پایه‌های غیر علوم انسانی داشته باشیم.

## • کتاب‌های مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی تا چه اندازه دانش‌آموزان را با جامعه ایران و مشخصات، ویژگی‌ها، مسائل و مشکلات آن آشنا می‌کنند؟

○ مطالب این کتاب‌ها را با توجه به اینکه سخت‌اند، بیشتر دانش‌آموزان فقط حفظ می‌کنند و یاد نمی‌گیرند. اگر هم یاد بگیرند، زودتر فراموش می‌کنند، چون خیلی کاربردی نیستند. اما کتاب هویت اجتماعی رشته‌های غیر علوم انسانی پایه دوازدهم تا حدودی کاربردی است و می‌تواند نسبت به تقویت هویت ملی و دینی دانش‌آموزان نقش آفرینی کند. هر چند اختصاص این کتاب درسی به پایه دوازدهم، دانش‌آموزان را دچار مشکل کرده است. زیرا دانش‌آموزان این پایه می‌خواهند در کنکور شرکت کنند و همه حواسشان به

سؤال‌های تستی و کنکور است. به نظر من خوب بود که این کتاب در پایه‌های دهم و یازدهم تدریس می‌شد.

## • کتاب‌های جدید جامعه‌شناسی را در مقایسه با کتاب‌های گذشته از نظر محتوای کاربردی، انسجام و ... چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ تغییر کتاب‌های درسی با توجه به گذشت زمان و نیازهای جامعه امر ضروری است. ولی ما می‌بینیم به جای اینکه کتاب‌های جدید بیشتر جنبه کاربردی پیدا کنند، حتی نسبت به کتاب‌های گذشته کمتر کاربردی هستند. در گذشته، ما یک کتاب مطالعات اجتماعی برای همه رشته‌ها داشتیم. این کتاب خیلی خوب و قشنگ درباره تکلیف‌ها، مسئولیت‌ها و نقش دانش‌آموزان صحبت می‌کرد و ما عملاً مطالب را به دانش‌آموزان یاد می‌دادیم. به دانش‌آموزان یاد می‌دادیم که چه تکالیفی دارند و در خانه و جامعه باید احساس مسئولیت کنند. این کتاب درباره نقش خانواده در تربیت فرزندان در مورد دلیل و علت اختلاف فرزندان با والدین و ناسازگاری آن‌ها خیلی خوب توضیح داده بود و ما به بچه‌ها یاد می‌دادیم که چرا بین زوجین یا در خانواده اختلاف وجود دارد و اینکه چرا باید انسان در انتخاب زوج خود خیلی دقت کند. در کتاب مطالعات اجتماعی به دانش‌آموزان یاد می‌دادیم که اگر رشته تحصیلی خود را متناسب با نیازهای جامعه انتخاب نکنند، در آینده برای پیدا کردن کار و شغل با مشکل روبه‌رو می‌شوند و دانش‌آموز عملاً این‌ها را یاد می‌گرفت. با بچه‌ها درباره مشارکت سیاسی صحبت می‌کردیم و اینکه انتخاب کور می‌تواند چه نتایج سوئی داشته باشد. متأسفانه جنبه کاربردی کتاب‌های جدید کمتر شده است.

به نظر من خوب است که امروز بچه‌ها در کلاس‌های درس یا در مدرسه به گونه‌ای درباره روش‌های تحقیق بحث کنند و آن‌ها را یاد بگیرند. چون این دانش‌آموزان فردا به کتاب‌هایی بر می‌خورند که از آن‌ها می‌خواهند تحقیق کنند. پس لازم است که امروز روش تحقیق را به دانش‌آموزان یاد داد. بچه‌ها فردا به دانشگاه می‌روند و باید تحقیق کنند. این در شرایطی است که امروز خیلی از معلمان ما هم درباره چگونگی تحقیق مشکل دارند و به همین دلیل است که معتقدم کتاب‌های جدید در این زمینه توفیق چندانی پیدا نکرده‌اند.

## • در مورد تغییرات و مشکلات کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی تا چه اندازه از شما به‌عنوان دبیران و معلمان نظرخواهی شده است؟

○ حدود ۱۸ سال است که من در گروه‌های آموزشی هستیم. در گذشته اگر کتاب‌های درسی می‌خواست تغییر پیدا کند، اعتباربخشی به این صورت بود که کتاب درسی را به صورت جزوه برای ما می‌فرستادند و ما این جزوه‌ها را به پنج نفر از دبیران مجرب می‌دادیم. آن‌ها بحث و بررسی می‌کردند و ما نظرات آن‌ها را ارجاع می‌دادیم. اما حالا وضعیت خیلی بهتر شده است. یعنی هر سال نقد و بررسی کتاب‌ها از طریق گروه‌ها بیرون می‌آید و همه آن‌ها از طریق دبیرخانه درسی مطالعات اجتماعی به دفتر تألیف منعکس می‌شوند که جای تشکر دارد. وقتی کتاب پایه دوازدهم را با پایه دهم یا یازدهم مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم این تغییرات ملموس هستند. به عبارت دیگر، الان در مورد اعتباربخشی کتاب‌ها، هر سال کتاب قبل از چاپ نهایی در اختیار برخی همکاران یا سرگروه‌ها قرار می‌گیرد و آن‌ها با دقت و با نکته‌بینی می‌آیند و همه

**\* دانش‌آموزان امروز با دانش‌آموزان سابق خیلی متفاوت هستند. اطلاعات و آگاهی دانش‌آموزان امروز نسبت به گذشته خیلی بیشتر است. امروز نمی‌توان از همان روش سنتی برای تدریس استفاده کرد**

نظرات و جزئیات نظر خود را می‌نویسند و یادداشت می‌کنند که این کتاب چه ایراداتی دارد. از این نظر وضعیت خیلی بهتر از گذشته شده است.

کتاب «هویت اجتماعی» که نوشته شد، در واقع حاصل اصرار دبیران بود. ما مدام تأکید می‌کردیم که برای رشته‌های غیر علوم انسانی، کتاب علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی باید نوشته شود. یعنی تألیف

کتاب «هویت اجتماعی» پاسخی بود به همان نظراتی که همکاران می‌دادند و خیلی روی آن‌ها تأکید داشتند.

**• نسبت ساعت‌های تدریس این درس با حجم کتاب چگونه است؟ آیا در سال‌های قبل هم ساعت‌های تدریس همین مقدار بود؟**

○ در گذشته برای پایه دهم دو ساعت در هفته بود که اصلاً کافی نبود. چون از یک طرف باید فعالیت‌هایی را انجام می‌دادیم، و از طرف دیگر مباحث دشوار بود و معلم مجبور می‌شد که زمان اضافی سر کلاس بماند. بنابراین اصلاً وقت کافی نبود. ولی الان ساعت تدریس سه ساعت در هفته و خیلی بهتر شده است. دانش‌آموزان می‌توانند با هم گفت‌وگو و بحث کنند و ما هم برای انجام فعالیت‌ها وقت کم نمی‌آوریم.

**• شما خودتان به عنوان معلم، چه تلاش و روشی را برای بسط و جا انداختن مفاهیم یا ملموس، عینی و کاربردی کردن موضوع‌ها و مفاهیم درس علوم اجتماعی در پیش گرفته‌اید؟**

○ دانش‌آموزان امروز با دانش‌آموزان سابق خیلی متفاوت هستند. اطلاعات و آگاهی دانش‌آموزان امروز نسبت به گذشته خیلی بیشتر است. امروز نمی‌توان از همان روش سنتی برای تدریس استفاده کرد. این یک طرف قضیه است و ما انتظار داریم، معلمان در روش‌هایشان تغییر ایجاد کنند.





**\* محیط و فضای مدرسه‌های ما نسبت به ۳۰ یا ۴۰ سال قبل، جز در استفاده از برخی امکانات، مانند رایانه، هیچ تغییری نکرده است که استفاده از همین رایانه هم جای بحث دارد**

دوم اینکه محیطی که امروز بچه‌ها در آن درس می‌خوانند، همان محیطی است که ۳۰ یا ۴۰ سال قبل وجود داشت. یعنی مدرسه‌های ما نسبت به گذشته جز در استفاده از امکانات، مانند رایانه، تغییری نکرده‌اند. تازه همین رایانه هم جای بحث دارد که چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، امکانات محدودی به مدرسه‌ها اضافه شده است. در صورتی که بنده معتقدم مدرسه‌های ما الان باید نسبت به گذشته از نظر امکانات و به خصوص فضا خیلی تغییر و توسعه پیدا کرده باشند. وقتی ما از معلمان می‌پرسیم: چرا از روش‌های جدید برای تدریس استفاده نمی‌کنید؟ می‌گویند: ما امکانات کافی در مدرسه نداریم.

اما روشی که خود من به کار می‌گیرم، این است که از اول سال کلاس را گروه‌بندی می‌کنم تا کلاس پویایی خاصی داشته باشد. به این صورت که دانش‌آموزان به چند تیم تقسیم می‌شوند و فعالیت‌ها را به آن‌ها محول می‌کنم. ما در متن هر درس فعالیت داریم. در هر جلسه‌ای که یک درس گفته می‌شود، در جلسه بعد بخشی از مطالبی را که یادگیری‌شان برای دانش‌آموزان سخت است، انتخاب می‌کنم و به گروه‌ها محول می‌کنم تا دانش‌آموزانی که نقش فعالی در گروه‌ها دارند، برای دیگران توضیح دهند. به هر کسی که این کار را در گروه انجام می‌دهد، امتیاز می‌دهم.

ما در گروه‌ها سرگروه داریم. هر دانش‌آموزی که بتواند مطلبی را که من درباره آن در کلاس توضیح داده‌ام، برای بچه‌ها توضیح دهد و بحث کند، امتیاز می‌گیرد. او این کار را باید در گروه خودش انجام دهد و اگر موفق شود به دیگران یاد دهد، تشویق می‌شود.

گاهی بچه‌های یک گروه می‌گویند که در گروه ما واقعاً فلان مطلب جا نیفتاده است. در آن صورت از گروهی که خیلی فعال بوده و آن مطلب برایشان جا افتاده است، کمک می‌گیریم و پیشنهاد می‌دهیم که بروند و آن مطلب را برای گروهی که مطلب برایشان جا نیفتاده است، توضیح دهند و درباره آن بحث کنند.

**• آیا بین معلمان منطقه شما کسی هست که طرح درس ابتکاری در زمینه علوم اجتماعی یا روش ویژه‌ای برای تدریس این درس داشته باشد؟**

بله. در طول این سال‌ها دبیران زیادی با علاقه از روش‌های ابتکاری برای افزایش کارایی درس‌های علوم اجتماعی استفاده کرده‌اند و ما این روش‌ها را در جلسات گروه‌های آموزشی برای دبیران مطرح کرده‌ایم. ولی در شرایط فعلی انگیزه‌های معلمان برای همکاری با گروه‌های آموزشی به دلایلی کمتر شده است. در کل می‌توان گفت: با توجه به رویکرد روش‌های فعال، هر معلمی برای خود از روش جدیدی استفاده می‌کند.

**• مدرسه، مدیریت، مشاوران و نظام آموزشی به‌طور کلی تا چه اندازه به درس‌های علوم اجتماعی اهمیت می‌دهند و چرا؟**

مدیران، مشاوران و دیگران، به نسبت آگاهی خود از تأثیر درس‌های علوم اجتماعی در تربیت دانش‌آموزان، به این درس اهمیت می‌دهند. نظام آموزشی امروزه تا حد زیادی به این موضوع واقف شده است که هر قدر امر تعلیم و تربیت، خصوصاً در این درس‌ها، به درستی اتفاق بیفتد، در سطوح بالاتر جامعه مشکلات کمتری خواهیم داشت.

افزایش ساعت‌های درسی علوم اجتماعی خود بیانگر توجه به این موضوع است. البته به نظر من خود معلمان علوم اجتماعی در توجه دادن دیگران به اهمیت درس علوم اجتماعی نقش عمده‌ای دارند.

**• خانواده‌ها و خود دانش‌آموزان تا چه اندازه به درس‌های علوم اجتماعی اهمیت می‌دهند؟ آیا دانش‌آموزی به شما اظهار کرده که می‌خواهد در این رشته ادامه تحصیل دهد؟**

دانش‌آموزان در گذشته علاقه زیادی به این درس‌ها داشتند و حتی در کنکور درصد بالایی از سؤال‌ها را پاسخ می‌دادند. اما در حال حاضر چنین تمایلی را مشاهده نمی‌کنیم. البته این موضوع دو دلیل می‌تواند داشته باشد: یکی دشواری درس‌های علوم اجتماعی، و دیگری نگرانی در مورد یافتن شغل در این رشته.

**• دبیران علوم اجتماعی نسبت به سایر دبیران از چه جایگاه و منزلتی در مدرسه، منطقه و کلاً نظام آموزشی برخوردارند؟**

دبیران علوم اجتماعی عموماً دارای انعطاف‌پذیری بیشتری در محیط کار و ارتباط با دبیران و دانش‌آموزان هستند. زیرا موضوع‌های طرح شده در فعالیت‌های هر درس، شرایط گفت‌وگو پیرامون مسائل اجتماعی روز، و هدایت دانش‌آموزان به اتخاذ راه‌حل‌های مناسب، موجب ایجاد رابطه مناسب بین دبیران و دانش‌آموزان شده است.

**• آیا در منطقه شما، درس‌های علوم اجتماعی را دبیرانی که رشته تحصیلی‌شان علوم اجتماعی است، تدریس می‌کنند یا از معلمان سایر درس‌ها هم برای تدریس این درس استفاده می‌شود؟**

برای سامان‌دهی دبیران، تلاش آموزش متوسطه هر ناحیه و منطقه در درجه اول برای انتخاب معلمان متخصص در این رشته است. ولی در جریان بازدید از مدرسه‌ها، گاه به مدرسه‌هایی برمی‌خوریم که از دبیران رشته‌های کاملاً غیرمرتبط برای تدریس این درس استفاده می‌کنند.

سرکار خانم سعیدی از فرصتی که در اختیار مجله رشد آموزش علوم اجتماعی قرار دادید کمال تشکر و امتنان را داریم.